فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۱، تابستان۹۸، صفحات ۱۶۰-۱۳۷

تحلیل انتقادی گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی

سجاد باباخانی[۱]، اکبر صالحی[۲]، یحیی قائدی[۳]، سوسن کشاورز[۴]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳

چکیده

تحقیق حاضر در چهارچوب تحلیل انتقادی گفتمان به بررسی تربیت شهروندی در گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد. به همین منظور، متون و اسناد مرتبط با مقوله‌ی تربیت شهروندی در پنج دوره‌ی مذکور با روش نورمن فرکلاف، در سه سطح "توصیف متن"، "تحلیل روندهای تولید و تفسیر"، و "تبیین بافت اجتماعی" مورد تحلیل قرار گرفته است. گفتمان مسلط تربیت شهروندی، گفتمان شهروند اخلاقی- قانون‌مدار است که تربیت شهروندی را با محوریت دین و احکام اسلامی می‌پذیرند؛ هر گفتمان با طرد گفتمان پیشین و برجسته‌سازی و محوری‌نمودن نظرات و سیاست‌های مورد نظر، موجودیت خود را تحکیم و تثبیت نموده. گفتمان‌های بعد از انقلاب به همه‌ی مقوله‌ها و شاخص‌های تربیت شهروندی به صورت متوازن و متعادل نپرداخته‌اند و نیز شهروند بازنمود شده در این گفتمان‌ها موجودی است تک‌بعدی که تنها در هر دوره یکی از ابعاد رشدی سریع و نامتوازن را تجربه کرده است. در غالب موارد، اسناد مورد بررسی از الگوی تک‌گفتمانی پیروی می‌کنند و علاقه‌ای به استفاده از عناصر گفتمان‌های رقیب ندارند.

واژه‌های کلیدی: تربیت شهروندی؛ گفتمان؛ انقلاب اسلامی؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ فرکلاف.

[۱] دانشجوی دکترای فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی(نویسنده‌ی مسئول)
babakhani638@gmail.com

[۲] استادیار فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی
salehihidji2@yahoo.com

[۳] دانشیار فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی
yahyaghaedi@yahoo.com

[۴] استادیار فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی
ss.keshavarz@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدمه

شهروندی و تربیت شهروندی از دیدگاه‌های مختلف فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و... مورد توجه قرار دارد. از دید اجتماعی، مشارکت در جریان‌های اجتماعی، وحدت اجتماعی، عدالت و تقویت حقوق انسانی و خودگردانی را به همراه دارد. از دید اقتصادی، ایجاد صلاحیت‌های حرفه‌ای در افراد از این جهت مهم است که در افزایش بهره‌وری، تربیت نیروی کار ماهر و ایجاد یک محیط مناسب برای نوآوری در دنیای رقابتی نقش مهمی دارند(محمودی،۱۳۹۰: ۹۷). امروزه اهمیت موضوع شهروندی به حدی است که در بسیاری از ادبیات موجود و مدون در سال‌های نخستین هزاره‌ی سوم تأکید ویژه‌ای به آن شده است (نیکنامی و مدانلو،۱۳۸۷:۱۴۰). تربیت شهروندی تحت تأثیر گفتمان‌های مختلف انقلابی بوده است به‌طوری که در طول دو یا سه قرن گذشته، انقلاب‌ها، برخی از بزرگ‌ترین تغییرات اجتماعی را در تاریخ جهان پدید آورده‌اند. انقلاب‌های آمریکا و فرانسه، به ترتیب در سال‌های ۱۷۷۶ و ۱۷۸۹ مهم‌ترین انقلاب‌های قرن هجدهم بودند. برخی از اندیشه‌های رهبران آن‌ها بعدها تأثیر زیادی بر جای گذاشتند. مفاهیم آزادی، شهروندی و برابری که این دو انقلاب به خاطر آن‌ها نبرد می‌کردند به صورت اساسی‌ترین ارزش‌های سیاسی مدرن درآمدند (رشد،۱۳۹۷:۱). بنابراین می‌توان گفت ظهور گفتمان‌های انقلابی مختلف در جوامع به دلیل ایجاد تحولات در زمینه‌ی سیاسی بر نحوه‌ی تربیت شهروندی آن جامعه تأثیر بسزایی خواهد داشت.

با مراجعه به تاریخ چهار دهه‌ی اخیر ایران، می‌توان از وجود چند گفتمان محوری و متفاوت نام برد که در رقابت با همدیگر و دیگر گفتمان‌های رقیب، از حاشیه به مرکز و متن زمینه‌ی گفتمانی آمدند و بر اندیشه و عمل دولت‌ها تأثیرات فراوانی گذاشتند و علت آن، تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و نیز تأثیر گفتمان‌های فرعی‌ای بوده است که زمینه‌ی گفتمانی را پیوسته متحوّل کرده و تأکید بر تغییر و بازاندیشی، این پویایی مستمر را امکان‌پذیر ساخته است. در مجموع پنج گفتمان عمده در فضای سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران نمود و ظهور یافته است(حسین‌زاده،۱۳۸۸: ۱۳۵). با توجه به گرایش‌های گروه حاکم، شرایط و چالش‌های هر دوره، تحلیل خاصی از تربیت شهروندی ارائه و به عنوان نظم گفتمانی آن صورت‌بندی شده است که این نظم‌های گفتمانی با ساختار مسلط سیاسی مرتبط است. گفتمان‌های مذکور، بر حسب نگرشی که به تربیت شهروندی داشته‌اند، برنامه‌ها و اقداماتی انجام داده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تحلیل انتقادی، گفتمان‌های تربیت شهروندی، وضعیت این موضوع را در چهار دهه‌ی انقلاب اسلامی برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران تربیتی، آشکار و بینشی نسبت به آینده فراهم می‌کند. تحلیل و نقد گفتمان‌ها، با مشخص‌نمودن بار معنایی و اهداف پنهان و ارتباط متن با قدرت و بافت اجتماعی، علاوه بر روشن‌گری نقاط قوت و ضعف، بازنگری‌های احتمالی را در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها موجب گشته و به بهبود نظام آموزشی در بعضی زمینه‌ها، منجر می‌گردد. با توجه به این که پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته، به طور جامع و با روش فرکلاف[1] به واکاوی و نقد اسناد، قوانین و برنامه‌ها در گفتمان‌های بعداز انقلاب، به‌ویژه در زمینه‌ی تربیت شهروندی و با نگاهی نقادانه و بیرون از منظر ایدئولوژی‌های حاکم به این سیاق نپرداخته‌اند. ضرورت پژوهش حاضر برای دست‌یابی به نقاط ضعف و قوت در هر دوره از گفتمان‌های حاکم بر نظام سیاسی کشور به واسطه‌ی تحلیل و نقد گفتمان‌ها، مشخص می‌گردد.

هم‌چنین در جامعه‌ی ایران که از اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی و قومی تشکیل شده است، تحقیق درباره‌ی ایده‌ی شهروندی و آموزش آن‌ها از ضرورت و اهمیت علمی، اجتماعی و سیاسی خاصی برخوردار است. تربیت شهروندانی که حقوق مساوی و برابر تمامی هم‌وطنان خود را به رسمیت شناخته و احترام می‌گذارند، ضرورت حیاتی دارد. هم‌چنین آشناسازی نسل جدید با حقوق شهروندی، زمینه و بستر مناسب را برای تربیت "شهروند خوب"، برقراری نظم و امنیت در جامعه، افزایش مشارکت مدنی افراد، احترام و رعایت حقوق سایر شهروندان کشور فراهم می‌کند (خوجم‌لی،۱۳۸۸: ۱۲).

حال با توجه به آن چه در مورد تربیت شهروندی گفته شد و با نظر به این که بعد از ظهور پدیده‌ی انقلاب اسلامی تحولاتی در اهداف و برنامه‌های تربیت شهروندی صورت گرفته و چنین تحولاتی موضوع تربیت شهروندی را دستخوش تغییرات اصلی و اساسی نموده است، بالاخص در گفتمان‌های سیاسی غالب بعد از انقلاب اسلامی، توجه به مسأله‌ی چگونگی تربیت شهروندی از یک سو و داشتن نگاه انتقادی به آن از سویی دیگر از جمله دلایل پرداختن به این موضوع در پنج گفتمان اخیر بوده است. هدف این پژوهش تحلیل انتقادی گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد و برای دست‌یابی به این هدف در پی پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد:

[1] Fairclough

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱- خصوصیات اصلی ساخت گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی چه بوده است؟

۲- شرایط تاریخی و گفتمانی که اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی در آن تولید و مصرف شده‌اند چگونه بوده است؟

۳- جای‌گاه، فرآیندهای مرتبط و اهداف پنهان گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی کدامند؟

مبانی نظری پژوهش

شهروندی و تربیت شهروندی

شهروندی زائیده‌ی زیستن در دنیای معاصر است. شهروندی با تأکیداتی تازه در تلاش است تا با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار کند. شهروندی طرح سؤالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به‌ویژه ارزش‌ها که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود(کمبس[1]،۲۰۰۱:۱۱). شهروندی با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است(پارکر[2]،۲۰۰۰:۴۰). شهروندی وظایف و مسئولیت‌ها را در بین افراد جامعه توزیع و در نهایت امکان مشارکت افراد را در فعل و انفعالات اجتماعی فراهم می‌کند(کوکداس[3]،۲۰۰۱:۳۲۰). تربیت شهروندی از عناصر و مباحثات مختلفی به وجود می‌آید(سرز و هبرت[4]،۲۰۰۵:۳) و بسته به ماهیت نظام‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، شکل‌ها و ماهیت‌های مختلف و متنوعی به خود می‌گیرد(تسی[5]،۲۰۰۱:۳۰۶). تربیت شهروندی فرایندی است که شهروندان فعال، مطلع، حساس و کارآمد در زندگی مدنی و امور مربوط به ناحیه‌ی خود را ایجاد و جنسیت‌ها، نژادها و ساختار طبقاتی را معرفی می‌کند و

[1] Combs
[2] Parker
[3] Kukathas
[4] Sears & Hebert
[5] Tse

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

عدالت اجتماعی و تنوع را گسترش می‌دهد و افراد را به تأمل و مشارکت در جریان‌های سیاسی و تصمیم‌گیری آماده می‌کند(نلسون و کرر[1]،۲۰۰۵:۲۰۳).

گفتمان‌های اصلی بعد از انقلاب اسلامی

در مجموع پنج گفتمان عمده در فضای سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران نمود و ظهور یافته است. این گفتمان‌ها را می‌توان به صورت زیر تفکیک کرد.

گفتمان عدالت اجتماعی: اولین گفتمان انقلابی را می‌توان گفتمان عدالت اجتماعی نامید. مهم‌ترین مسأله‌ی اجتماعی دولت میرحسین موسوی، عدالت اجتماعی بود(حسین‌زاده،۱۳۸۶:۱۴۵). هم‌چنین گفتمان این دوره تحت تأثیر جبهه‌های جنگ، نوعی سامان تک‌ذهنی به حساب می‌آمد که مبتنی بر ارزش‌هایی چون جهاد و شهادت و همین‌طور دفاع از ارزش‌های دفاع مقدس بود (مهدی‌زاده،۱۳۸۱:-۱۹۵).

گفتمان سازندگی: گفتمان سازندگی در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در نقد و اعتراض به گفتمان عدالت اجتماعی وارد صحنه شد. مهم‌ترین مسأله‌ی اجتماعی دولت هاشمی که به هدفی برای سیاست‌گذاری تبدیل شده بود و رویکرد و گفتمان حاکم بر دولت ایشان نیز محسوب می‌شد، رشد اقتصادی و سازندگی بود(حسین‌زاده،۱۳۸۶: ۱۷۱).

گفتمان اصلاحات: این گفتمان در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ظاهر شد و در پی ایجاد اصلاحات، توسعه‌ی سیاسی و جامعه‌ی مدنی بود(کاشی،۱۳۸۴:۲۹۲).

گفتمان عدالت‌محوری: با روی کار آمدن دولت نهم در سال ۱۳۸۴ شاهد تولد طیف جدیدی از اصول‌گرایان در معادلات سیاسی بودیم. این گروه از دل جناح راست سنتی برآمده‌اند و به شدت آرمان‌گرا و تحول‌خواه هستند. احمدی‌نژاد چهار اصل بنیادین دولت خود را، عدالت‌گستری، مهرورزی، خدمت‌گزاری و تعالی و پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشور اعلام کرد(حسین‌زاده،۱۳۸۸: ۱۴۴).

گفتمان اعتدال: با آغاز به کار دولت یازدهم خرده‌گفتمان دیگری در چهارچوب کلان گفتمان انقلاب اسلامی ظهور کرد. این خرده‌گفتمان، براساس گفتمان عام این دولت، اعتدال‌گرایی نامیده می‌شود. اعتدال و میانه‌روی دال مرکزی گفتمانی بود که در کنار عناصر دیگر مانند پرهیز از

[1] Nelson & Kerr

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

رادیکالیسم، آزادی، تنش‌زدایی، تعامل با جهان، اسلام میانه‌رو و... توانست در یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران پیروز شود(اکوانی و نوروزنژاد،۱۳۹۳:۱۴).

پیشینه‌ی پژوهش

با مرور مختصری بر سوابق پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره‌ی تربیت شهروندی مشخص می‌شود علی‌رغم اهمیت این مقوله، پژوهش‌های اندکی به روش تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است. یافته‌های چند مورد پژوهش در این زمینه به شرح زیر است:

حسینی‌پاکدهی و زردار(۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران» که با هدف بررسی چگونگی تفاوت در نحوه‌ی بازنمـایی مفهوم شهروندی در روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که از دید روزنامه‌های اصلاح‌طلب، حقوق سیاسی و آزادی بیان و انتخابات آزاد، مهم‌ترین حقوق شهروندان به شمار می‌روند و از نظر روزنامه‌های اصول‌گرا، حقوق اقتصادی شامل رفاه، معیشت و اقتصاد، مهم‌ترین مطالبات شهروندان را تشکیل می‌دهند.

جهانگیری و فتاحی(۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم» با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان ارائه شده از سوی محمود احمدی‌نژاد را تحلیل کردند. نتایج این پژوهش نشان داد دال برتری‌ای که به این گفتمان انسجام بخشیده و سایر دال‌ها را حول خود مفصل‌بندی کرده، مدیریت مردمی است.

لئونارد[1](۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «آموزش شهروندی به کودکان در جوامع به لحاظ سیاسی حساس» با بررسی موردی ایرلند شمالی نشان می‌دهد که آموزش شهروندی یک هویت فردی و جمعی است و هدف از این آموزش‌ها تحول گفتمان‌ها از گفتمان "ما در مقابل آن‌ها" به گفتمان کلی‌تر "ما" است که این آموزش شهروندی با تضادها و چالش‌هایی روبه روست.

کولادو و آخورا[2] (۲۰۰۶) در تحقیقی در خصوص ایده‌آل‌های مد نظر اتحادیه‌ی اروپا در مورد تربیت شهروندی، به این نتیجه دست یافتند که ایده‌آل‌های مد نظر اتحادیه‌ی اروپا پیرامون تربیت شهروندی به صورت نامتوازن و در برخی موارد بسیار سطحی، در اسناد مورد بررسی، مطرح شده است.

[1] Leonard
[2] Collado and Atxurra

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اختر[1] (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «اجرای آموزش شهروندی در اسکاتلند: معرفی رویکردهایی برای عمل مؤثر» به مرور آموزش شهروندی می‌پردازد که در مدارس، کلاس درس و جامعه در متن برنامه‌ی درسی جدید اجرا و تمرین می‌شود. وی رئوس کلی، رویکردهای جدیدی را جهت اجرا در متن برنامه‌های درسی استخراج و پیشنهاد می‌کند و در این رابطه اعتقاد دارد افکار معلمان باید تغییر یابد و تئوری‌های زیربنایی جدید به عنوان خطوط راهنمای کلی مورد توجه قرار گیرد.

جورقنسون[2] (۲۰۱۲) در تحقیق خود تحت عنوان «آموزش شهروند جهانی» که در آمریکای شمالی انجام شده است، به این نتیجه رسیده است که آموزش‌دهندگان شهروند جهانی با یک چالش مهم روبرو هستند و آن مبارزه با نابرابری جهانی به عنوان یکی از عواقب استعمار و ایدئولوژی‌هایی است که از حقـوق اقلیت در برابر اکـثریت حمـایت می‌کنند. هم‌چنین برای تعلیم‌دهندگان یک فضای آموزشی آزاد برای تلاش جهت ایجاد یک جهان صلح‌آمیز و پر از عدالت لازم است.

روش‌شناسی- پژوهش

روش این پژوهش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است، که به مطالعه‌ی چگونگی تولید، بازتولید و استمرار نابرابری‌ها، سلطه و قدرت اجتماعی در ساختار سیاسی و اجتماعی و از طریق متن و گفتار می‌پردازد. چنین روشی به دنبال فهم، شناخت و افشای این نابرابری هاست(شیفرین[3]، تانن[4]، همیلتون[5]، ۴۶۶:۲۰۰۱). این روش از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخـوردار اسـت. در مرحله‌ی توصیف آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن صورت می‌پذیرد. در سطح تفسیر، به بررسی چگونگی شرایط تولید و خوانش متن(بینامتنیت) پرداخته می‌شود و مرحله‌ی تبیین تأثیر دو سویه‌ی ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها را بررسی می‌کند(فرکلاف، ۹۶:۲۰۰۵). در این پژوهش با توجه به مسأله‌ی اصلی تحقیق که تحلیل انتقادی گفتمان‌های تربیت شهروندی در طول چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی است، از داده‌هایی به عنوان متن استفاده

[1] Akhtar
[2] Jorgenson
[3] Schiffrin
[4] Tannen
[5] Hamilton

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خواهیم کرد و جریان‌های سیاسی را به عنوان بستر و زمینه در نظر خواهیم گرفت. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها سندکاوی و کتابخانه‌ای خواهد بود.

مراحل انجام کار

الف) انتخاب مقطع تاریخی

به منظور بررسی گفتمان‌های تربیت شهروندی، مقطع تاریخی مورد مطالعه از سال ۱۳۶۰تا ۱۳۹۶، پنج دولت بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. این مقطع تاریخی به این دلیل انتخاب شده است که پس از عزل دولت ابوالحسن بنی صدر (به عنوان دولت اول بعد از انقلاب) و شهادت رجایی و باهنر (به عنوان دولت دوم بعد از انقلاب)، که هر دو دولت عمر چندانی نداشتند، دولت سوم با ریاست جمهوری آیت الله خامنه‌ای و نخست وزیری میرحسین موسوی تشکیل شد. بنابراین اقدامات دولت‌مردان نیز عملاً از دولت سوم به بعد قابل مطالعه است.

ب) انتخاب نمونه

در جدول ۱ اسناد مورد بررسی در زمینه‌ی تربیت شهروندی در هر دوره‌ی گفتمانی بیان شده است.

جدول شماره‌ی یک- اسناد مورد تحلیل در دوره‌های گفتمانی بعد از انقلاب اسلامی

دوره‌ی گفتمانی	نام دولت	تاریخ دوره‌ی گفتمانی	اسناد مورد تحلیل
عدالت اجتماعی	میرحسین موسوی	۱۳۶۸-۱۳۶۰	مصوبات تربیتی در سطح شورای عالی آموزش و پرورش، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی
سازندگی	هاشمی رفسنجانی	۱۳۷۶-۱۳۶۸	برنامه‌های اول و دوم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی
اصلاحات	محمد خاتمی	۱۳۸۴-۱۳۷۶	برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی
عدالت- محوری	محمود احمدی نژاد	۱۳۹۲-۱۳۸۴	برنامه‌ی پنجم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰
اعتدال	حسن روحانی	۱۳۹۶-۱۳۹۲	برنامه‌ی ششم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی، منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ج) تحلیل اسناد

برای پاسخ به سؤال اول این تحقیق، باید در نظر داشت مسأله‌ی بررسی خصوصیات اصلی ساخت گفتمان‌های تربیت شهروندی به عنوان یکی از سؤالات تحقیق، پدیده‌ای فراتاریخی و عاری از فرهنگ نیست. خصوصیات تربیت شهروندی در گفتمان‌های مختلف بازتولید و اصلاح می‌شوند. برای پاسخ به این سؤال و مشخص‌شدن ویژگی‌ها و خصوصیات اصلی ساخت گفتمان-های تربیت شهروندی بعد از انقلاب به تحلیل اسناد گفتمانی در سطح توصیف خواهیم پرداخت. برای پاسخ به سؤال دوم نیاز است به اسناد و متون تاریخی، در دوره‌های تاریخی مراجعه شود تا بر اساس تحلیل متون در سطح تفسیر، تصویر روشنی از اوضاع سیاسی و اجتماعی هر دوره پدید آید. و برای پاسخ به سؤال سوم جهت مشخص‌نمودن جای‌گاه، فرایندهای مرتبط و اهداف پنهان گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب باید به تحلیل اسناد گفتمانی در سطح تبیین پرداخت.

یافته‌های پژوهش

تحلیل متون پنج گفتمان اصلی بعد از انقلاب اسلامی در سطح توصیف

برای پاسخ به سؤال اول به تحلیل انتقادی متون و اسناد مرتبط به پنج گفتمان اصلی بعد از انقلاب اسلامی در سطح توصیف در جداول ۲ تا ۶ می‌پردازیم.

جدول شماره‌ی دو- تحلیل متون گفتمان عدالت اجتماعی در سطح توصیف

واژگان سلبی	قانون‌شکنی، نابرابری، دشمنان اسلام، محرومیت، خیانت کردن، توطئه، تفتیش عقاید، بی توجهی به حقوق دیگران، غیر خودی، ضد انقلاب، بی‌عدالتی.
واژگان محوری	انقلاب، جنگ تحمیلی، استقلال، اعتقادات دینی، جمهوری اسلامی، حمایت از محرومان، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، ولایت فقیه، عدالت گستری.
واژگان پربسامد	تربیت اعتقادی و معنوی، محروم، فرهنگ ایثارگری، عدالت اسلامی.
واژگان تقابلی	باایمان در برابر بی‌ایمان، پیرو ولایت فقیه در برابر ضد ولایت فقیه، وابستگی در برابر استقلال، اسلامی در برابر غربی، انقلابی در برابر ضد انقلاب، مرفه در برابر محروم.
واژگان محدود کننده	- افعالی نظیر: لازم است، اقدام نماید، معین می‌کند، تأمین کند، اطاعت می‌کنیم. - کاربرد عباراتی نظیر: طبق موازین اسلامی، مطابق مقررات و قوانین، مغایر نباشد. -کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان: ایثار جان، مردم متعهد، وفادار به آرمان‌های انقلاب، پایبند به ارزش‌های انقلابی و اسلامی، مردم با ایمان. - به‌کارگیری واژگان کلی و انتزاعی نظیر: جامعه‌ی توحیدی، حکومت الهی، قوانین الهی.
واژگان با شمول معنایی	ایثارگری، ولایت فقیه، ارزش‌های دینی، وحدت، اسلامی، امت اسلامی، استقلال، آزادی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

واژگان مشروع‌سازی شده	ارزش‌های اسلامی، اندیشه و آرمان‌های انقلابی، بسیجیان و ایثارگران.
مفاهیم تربیت شهروندی متن	تأکید بر امر تأمین اجتماعی، اولویت‌بخشی به فقرا، تقویت اعتقادات دینی و مذهبی، تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی، تأکید بر فرهنگ ایثارگری و دفاع مقدس.

جدول شماره‌ی سه- تحلیل متون گفتمان سازندگی در سطح توصیف

واژگان سلبی	فقر و عقب ماندگی، غیر عادلانه، قانون‌شکنی، هنجارشکنی، شکاف اجتماعی، بی‌کاری، محروم، خرابی‌ها.
واژگان محوری	سازندگی، رفاه، توسعه‌ی اقتصادی، بازسازی، آرمان‌ها و فرهنگ انقلابی، موازین اسلامی.
واژگان تقابلی	خرابی مقابل سازندگی، قناعت در برابر تجمل‌گرایی، متخصص در برابر غیرمتخصص، موازین اسلامی در برابر موازین غربی، محرومیت‌زدایی در برابر نقاط محروم.
واژگان پربسامد	بازسازی، سازندگی، جنگ‌زده، خودکفایی، تربیت نیروی انسانی متخصص، قشر محروم، آموزش اخلاقی و معنوی، اسلامی، رشد اقتصادی.
واژگان محدودکننده	- افعالی نظیر: عمل می‌کند، تشکیل دهید، باید باشد، لازم است، نگه دارید. - کاربرد عباراتی نظیر: نظارت دولت، منافات نداشتن، مطابق مقررات و قوانین، اولویت با...، براساس اسلام. - کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان: مردم مسئولیت‌پذیر، اهل قناعت، ایثارگر، متعهد به انقلاب. - به‌کارگیری واژگان کلی و انتزاعی نظیر: جامعه‌ی اسلامی، ارزش‌های ملی، فرهنگ توحیدی.
واژگان با شمول معنایی	استقلال، قوانین اسلام، ولایت فقیه، ارزش‌های اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، قانون، فرهنگ.
واژگان مشروع‌سازی شده	جان‌بازان و ایثارگران جنگ تحمیلی، ارزش‌های اسلامی، آرمان‌های انقلاب، ولی فقیه.
مفاهیم تربیت شهروندی متن	مشارکت مردمی، توجه به توسعه‌ی اقتصادی، حمایت از آرمان‌ها و فرهنگ انقلابی، کاهش فقر و محرومیت، توجه به موازین اسلامی، تخصص‌گرایی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی چهار- تحلیل متون گفتمان اصلاحات در سطح توصیف

واژگان سلبی	نقض آزادی، محرومیت، تبعیض، بی‌توجهی به حقوق دیگران، نابرابری، قانون‌شکنی، عدم مشارکت، شکاف اجتماعی.
واژگان محوری	اطاعت از قانون، حقوق اساسی، جامعه‌ی مدنی، حاکمیت مردم، آزادی‌های مدنی، حق انتخاب، نقد، توسعه‌ی سیاسی، آگاهی اجتماعی، اصلاحات، نهادهای مدنی، حقوق شهروندی، جمهوریت.
واژگان پربسامد	آزادی، قانون‌گرایی، توسعه‌ی سیاسی، مشارکت، اصلاح، مردم‌سالاری، جوانان، پیش- رفت، مردم.
واژگان تقابلی	گفت‌وگو در مقابل خشونت، آزادی در برابر نقض آزادی، رعایت قانون در برابر قانون- شکنی، مشارکت در تقابل با عدم مشارکت، آزادی در برابر تابع بودن.
واژگان محدودکننده	- افعالی نظیر: موظفند، تشکیل دهید، لازم است، حفظ کنید، ابلاغ می‌گردد، باید باشد. - کاربرد عباراتی نظیر: پیروی از دستورات، مطابق با موازین باشد، مطابق مقررات و قوانین، در چهارچوب مصوبات. -کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان: آزاد می‌اندشند، متعهد به انقلاب، منضبط، احساس مسئولیت در برابر جامعه‌ی اسلامی. - به‌کارگیری واژگان کلی و انتزاعی نظیر: ارزش‌های ملی، مردم‌سالاری دینی، آزادی.
واژگان با شمول معنایی	آزادی، جامعه‌ی مدنی، ارزش‌های دینی و ملی، توسعه‌ی سیاسی، اصلاحات.
واژگان مشروع‌سازی شده	قانون اساسی، جمهوریت نظام، آموزه‌های امام خمینی(ره)، ارزش‌های انقلابی و اسلامی، تمدن و فرهنگ ایرانی- اسلامی.
مفاهیم تربیت شهروندی متن	تأکید بر پیروی از قانون و مقررات، کثرت‌گرایی فرهنگی، حمایت از نقد، توجه به مشارکت سیاسی، ایجاد فضای آزاد و قانونمند، توجه به حقوق اجتماعی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی پنج- تحلیل متون گفتمان عدالت‌محوری در سطح توصیف

واژگان سلبی	نابرابری اجتماعی، فقر، غیراسلامی، تجمل‌گرایی، بی‌عدالتی، بی‌توجهی به قوانین و مقررات، بی‌توجهی به حقوق دیگران.
واژگان محوری	رعایت قانون، روحیه‌ی عدالت‌خواهی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، حق‌محوری، جامعه‌ی صالح، اخلاق‌گرایی، ولایت فقیه.
واژگان پربسامد	حقوق و وظایف شهروندی، قوانین و مقررات، حیات طیبه، حق‌محوری، مهرورزی، معیار اسلامی، عدالت مهدوی، تعقل و خردورزی، جامعه‌ی مهدوی.
واژگان تقابلی	قانون‌گرایی در مقابل قانون‌گریزی، منافع فردی در برابر منافع و مصالح ملی، الگوی ایرانی- اسلامی در برابر الگوی وارداتی و تقلیدی، ارزش‌های الهی در برابر ارزش‌های غیر الهی.
واژگان محدودکننده	- افعالی نظیر: باور داشته باشند، تبعیت می‌نمایند، مقید هستند، وفادار باشند، حق بدانند. - کاربرد عباراتی نظیر: منطبق بر نظام معیار اسلامی، مطابق با چهارچوب و اهداف جمهوری اسلامی، مطابق موازین اسلامی، در چهارچوب فلسفه‌ی نظام آموزشی جمهوری اسلامی. -کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان: مدافعان ارزش‌های اسلامی و انقلابی، زمینه-سازان جامعه‌ی عدل مهدوی و آرمان‌های جمهوری اسلامی، دارای هویت اسلامی-انقلابی. - به‌کارگیری واژگان کلی و انتزاعی نظیر: حیات طیبه، الگوی توسعه‌ی ایرانی اسلامی، نظام معیار اسلامی، مشارکت معنوی.
واژگان با شمول معنایی	اسلامی، اعتقادی، عبادی، انتظار، جامعه‌ی مهدوی، انقلابی، قانون، حیات طیبه، جهاد، عدالت.
واژگان مشروع‌سازی شده	محوریت ارزش‌های اسلامی و انقلابی، جهان‌شمولی انقلاب اسلامی، قانون اساسی، جمهوری اسلامی، حوزه‌های علمیه.
مفاهیم تربیت شهروندی متن	تأکید بر ارزش‌های اسلامی، انقلابی و اخلاقی، افزایش روحیه‌ی عدالت‌خواهی، گسترش اخلاق‌گرایی، تأکید بر حق‌محوری، تأکید بر مردم‌سالاری دینی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی شش- تحلیل متون گفتمان اعتدال در سطح توصیف

واژگان سلبی	محرومیت، افراط، تفریط، توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر، محدودکردن آزادی، عدم مشارکت، عدم حق انتخاب، شتاب‌زدگی، خودسری، تندروی.
واژگان محوری	اعتدال، تدبیر، پرهیز از تندروی، رعایت قانون، رعایت حقوق دیگران، کرامت و برابری انسان‌ها، آزادی، امنیت شهروندی، برخورداری از رفاه و تأمین اجتماعی، حفظ حریم خصوصی.
واژگان پربسامد	حق آزادی و امنیت شهروندی، مشارکت، حق آزادی اندیشه و بیان، دادخواهی عادلانه، اعتدال و تدبیر و پرهیز از تندروی، رعایت قانون، رعایت حقوق دیگران، امید و تدبیر.
واژگان تقابلی	فرصت‌های اجتماعی برابر در مقابل تبعیض، آزادی در برابر بهره‌کشی، اعتدال در مقابل افراط و تفریط، توسعه در مقابل عقب‌ماندگی، منطق و گفت‌وگو در مقابل خشونت.
واژگان محدودکننده	- افعالی نظیر: نباید، عمل کنند، معین می‌کند، اقدام نکنند ، نقض نکنند، نمی‌تواند. - کاربرد عباراتی نظیر: در چهارچوب نظام حقوقی موجود، مگر به موجب قانون، تحت نظارت، بر اساس موازین اسلامی، مطابق با چهارچوب و اهداف جمهوری اسلامی. -کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان: باایمان، عدالت‌خواه، حق‌طلب، مسئولیت-پذیر، پایبند به ارزش‌های اسلامی، متعهد به انقلاب، پیرو قانون، استکبارستیز. به‌کارگیری واژگان کلی و انتزاعی نظیر: مشارکت، اعتدال، حقوق شهروندی، عدالت، موازین اسلامی
واژگان با شمول معنایی	حقوق، مشارکت، اعتدال،آزادی، وحدت، قانون، اسلامی، انقلاب.
واژگان مشروع‌سازی شده	ارزش‌های اسلامی و انقلابی، موازین اسلامی، ولایت فقیه، رفع تبعیض.
مفاهیم تربیت شهروندی متن	تأکید بر آزادی و امنیت شهروندی، برخورداری از حق مشارکت در تعیین سرنوشت، تأکید بر دادخواهی عادلانه، تأکید بر اعتدال و میانه‌روی، تدبیر در امور، اهمیت رعایت قانون، رعایت حقوق دیگران.

تحلیل متون پنج گفتمان اصلی بعد از انقلاب اسلامی در سطح تفسیر

برای پاسخ به سؤال دوم به تحلیل انتقادی متون و اسناد مرتبط به پنج گفتمان اصلی بعد از انقلاب اسلامی در سطح تفسیر می‌پردازیم. تخاصم و تضاد گفتمان عدالت اجتماعی با گفتمان‌های قبل از انقلاب اسلامی، بیش از هرچیز، پیرامون اصول، اهداف، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های انقلابی - اسلامی و برجسته‌سازی آن باورها در متون، با تأکید خاص بر عدالت‌گستری بود. در متون مورد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بررسی تأکید بر عبارات خاص و تکرار مرتب و پربسامد تقابل‌های ذکرشده نشان‌گر شرایط جامعه و جهان‌بینی تولیدکنندگان متن در تخاصم با ارزش‌های حکومت پیشین است. در این گفتمان به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از تربیت شهروندی اشاره شده است، اما تحلیل‌ها، نشان‌گر تناقض و محدودیت پیرامون این مهم است. کاربرد بسیار افعال و عبارات شرطی و امری، تعیین معیار و موازین فراروایت گون و مشروع‌سازی‌شده در متن، به عنوان نوعی هشدار غیر مستقیم تلقی می‌گردد که افراد را در اجرا با محدودیت و تابعیت روبه‌رو می‌سازد و دست‌یابی به تربیت شهروندی مؤثر را ناممکن می‌کند. شرایط ناآرام و چنددستگی فکری- اعتقادی اوایل انقلاب، نیاز به حفظ پیش‌فرض‌های فکری و نظری گروه حاکم یعنی حزب جمهوری اسلامی را برای انسجام، حفظ قدرت و آرام نمودن اوضاع می‌طلبید؛ بنابراین تمرکزگرایی، اقتدارطلبی و روابط سلسله‌مراتبی بین فاعلان و مخاطبان در متون مورد بررسی کاملاً حفظ شده است. کاربرد پربسامد افعال و عبارات شرطی و امری، نشان‌گر روابط سلسله‌مراتبی، اقتدارگونه و از بالا به پایین است. هم‌چنین دوگانه‌سازی ارزشی که برجسته‌سازی و طرد را به همراه دارد، به نوعی تربیت شهروندی را در عمل با محدودیت جدی و تکرار عبارات و افعالی ایدئولوژیک و تناقض آمیز روبه‌رو می‌کند. بنابراین شرایط حاکم بر تولید و خوانش متن از جمله وجود قید و بندهای بسیار، جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و نیز اغتشاشات داخلی، اقدامات شتاب‌زده و بدون بررسی‌های علمی، ایجاد چنددستگی موجب ناکارآمدبودن برنامه‌های مرتبط با تربیت شهروندی می‌شد. در گفتمان مذکور، نشانه‌های جدی و امروزین از مؤلفه‌های تربیت شهروندی چندان یافت نمی‌شود و نمی‌توان انتظار داشت که در این دوره، گفتمان تربیت شهروندی عملاً در دستور کار حاکمیت قرار گیرد و به گفتمان حاکم یا مسلط تبدیل شود.

تخاصم و تضاد گفتمان سازندگی با گفتمان انقلاب اسلامی بیش از هر مسأله‌ای، پیرامون نوع نگرش به مقولاتی مانند کارآمدی، عدالت و اقتصاد، الگوهای توسعه‌ای و نحوه‌ی تعاملات بود. در تحلیل متون تولیدشده توسط دولت سازندگی، محوریت مواردی که مطرح شد، مشهود است. در متون مورد بررسی این دوره، تکرار مرتب و پربسامد عبارات خاصی، بیش از هر چیز نشان‌گر جهان‌بینی تولیدکنندگان متن است که در برخی موارد در تأیید و برخی موارد در تخاصم با گفتمان پیشین و ناشی از شرایط متعدد جامعه و اهداف پنهان و آشکار گروه حاکم می‌باشد. توسعه‌ی ناموزون در این دوره، بسیاری از مطالبات سیاسی اجتماعی را بی‌پاسخ گذاشت. پاره‌ای گشایش‌ها در عرصه‌ی اقتصادی و عدم گشایش در صحنه‌ی سیاسی موجب عدم رقابت و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مشارکت سیاسی واقعی، محدودیت آزادی، عدم تکثرگرایی شد. در این دوره، دوگانه‌سازی ارزشی با برجسته‌سازی ارزش‌های خودی و طرد ارزش‌های غیرخودی در متن، آزادی، تنوع‌گرایی و غیرگرایی را در عمل محدود می‌کند. عمل‌کرد نه‌چندان موفق دولت در زمینه‌ی تربیت شهروندی، دلایل متعددی دارد که بررسی شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی به روشن‌گری آن کمک می‌نماید.

تربیت شهروندی در گفتمان سازندگی و بعد از پایان جنگ تحمیلی متأثر از تقاضاهای مطرح در آن دوران بود. عواملی هم‌چون ضرورت بازسازی کشور و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود به عنوان تقاضاهای مهم به شدت مطرح بود و سیستم سیاسی برای پاسخ به این تقاضاها و ایجاد تعادل در سیستم سیاسی نیازمند آن بود که ثبات سیاسی و تنش‌زدایی در فضای سیاسی و اجتماعی و هم‌چنین بازسازی، سازندگی و توسعه‌ی اقتصادی را در اولویت قرار دهد.

گفتمان اصلاحات که بعد از گفتمان سازندگی گفتمان غالب گشت به دنبال تقویت نهادهای دموکراتیک نظام حرکت می‌کرد. تخاصم و تضاد گفتمان اصلاحات با گفتمان سازندگی، بیش از هر چیز پیرامون حوزه‌ها و راه‌کارهای توسعه بود، زبانی که در متون این دوره به کار گرفته شده، علاوه بر این که در تخاصم با گفتمان پیش است، حاصل اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی نیز می‌باشد. در این دوره دولت مرکزی در عین ثبات، تمرکز، استحکام و اقتدار، خود منادی گفتمان تربیت شهروندی می‌شود. تربیت شهروندی در این گفتمان با تأکید بر توسعه‌ی سیاسی، مشارکت، ارائه‌ی تأمین اجتماعی، آزادی سیاسی و مدنی، حقوق شهروندی، اقلیت‌گرایی، کثرت‌گرایی، ایجاد جامعه‌ی مدنی و مردم‌سالاری مشخص گشت؛ ولی همان طور که مطابق تحلیل‌ها بیان شد، کاربرد عبارات و افعال شرطی و امری و کمکی‌های رابطی، به نوعی هشدار غیر مستقیم و محدودکننده محسوب می‌گردد که حاکی از روابط سلسله‌مراتبی و اقتداریست و از سویی تعیین معیارهای فراروایت‌گون که با ذات آزادی و مشارکت‌طلبی مغایرت دارد، بسیار در متن به کار گرفته شده است.

با توجه به بستر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که اسناد و متون مورد بررسی گفتمان عدالت-محوری در آن تهیه شده است، باید اظهار داشت گفتمان ارائه‌شده درصدد است این فضا را برای مخاطب پدید آورد که آن چه جهت‌گیری اصلی مطرح‌شده از سوی این گفتمان است، در چهارچوب تداوم آرمان‌های انقلاب قرار دارد. تخاصم و تضاد گفتمان عدالت‌محوری با گفتمان اصلاحات، بیش از هر مسأله‌ای، پیرامون اصول و ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی و هم‌چنین

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

برقراری عدالت، راه‌کارهای توسعه و نحوه‌ی تعاملات بود. در گفتمان عدالت‌محوری، با احیای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، بر محور دال مرکزی "عدالت"، دال‌های چهارگانه‌ی "عدالت- گستری"، "مهرورزی"، "پیشرفت و تعالی مادی و معنوی"، و "خدمت‌رسانی" مفصل‌بندی و تلاش شد تا توجه ویژه‌ای به عدالت و عدالت‌گستری شود(اخوان کاظمی،۲۰۸:۱۳۸۸). طبق تحلیل متون متعلق به این دوره، کاربرد واژه‌ها و عبارات خاص، و محور قرار دادن ارزش‌های اسلامی و انقلابی در کلیه‌ی سیاست‌گذاری‌های کلان تربیتی، بیش از هر چیز نشان‌گر هدف گفتمان عدالت‌محوری برای احیای دوباره‌ی ارزش‌های انقلابی و اسلامیست. در این گفتمان دولت و مردم به ویژه اقشار محروم درگیر فرآیندهای اجتماعی- فرهنگی می‌باشند. به‌کارگیری عبارات و افعال امری و شرطی، نشان‌دهنده‌ی هشدار غیر مستقیم، روابط اقتداری، سلسله‌مراتبی و فاصله‌ای تثبیت شده مابین مخاطب و تولیدکننده‌ی متن است. هدف از تولید متن، پررنگ نمودن دوباره‌ی ارزش‌های اسلامی انقلاب بود. در مجموع، شرایط تولید و خوانش متون گفتمانی مانند دوره‌های قبل به دلیل شرایط اقتصادی، تقدم منافع و مصالح دولتی و حفظ قدرت، براساس افکار و ایدئولوژی‌های خاص تولید مورد خوانش قرار گرفت. هم‌چنین متون مورد بررسی نشان‌دهنده‌ی این است که گفتمان عدالت‌محوری برای معرفی خود از غیرسازی با دیگری اصلاح‌طلب بهره می‌گیرد. "غیری" که منافع حزبی و گروهی خود را دنبال می‌کند و هم‌سو با بیگانگان به دنبال سکولارکردن جامعه است. ایدئولوژی‌گرایی و استفاده از واژگان ارزشی، برجسته‌سازی و محوریت‌دادن به این ارزش‌ها در کلیه‌ی امور، به نوعی محدودکننده‌ی مؤلفه‌های تربیت شهروندی است. میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی در گفتمان عدالت‌محوری با توجه به متون بررسی‌شده از لحاظ فراوانی یکسان نمی‌باشد و تنها ابعادی چند از تربیت شهروندی را مد نظر قرار داده‌اند و سایر ابعاد و مؤلفه‌ها مغفول واقع شده‌اند. در مجموع، از واژگان ایجابی و سلبی و قطب‌بندی‌های موجود در متون این دوره برداشت می‌شود که دولت سعی داشت خود را خدمت‌گذار مردم و مهم‌ترین دغدغه خود را برقراری، عدالت، صلح و آرامش جلوه دهد.

تخاصم و تضاد گفتمان اعتدال با گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، اعتقادی و سیاسی و در زمینه‌ی شهروندی بیش از هر چیز پیرامون راه‌کارهای احیای حقوق شهروندی بود. در این دوره شاهد تلاش جهت احیا و اجرای حقوق شهروندی در جامعه هستیم که مصداق بارز آن تهیه‌ی منشور حقوق شهروندی توسط گفتمان اعتدال می‌باشد. بر طبق متن مورد بررسی دال مرکزی این گفتمان خود دال "اعتدال" است. با این که هدف از تولید متن توسط گفتمان اعتدال، آگاهی‌بخشی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ظرفیت‌سازی و ارتقاء فرهنگ عمومی و افزایش حساسیت، تعهد و مهارت کارگزاران نهادهای دولتی و غیردولتی در صیانت از حقوق شهروندی، ارتقاء فرهنگ عمومی و گسترش مطالبات همگانی و مقابله با هرگونه تعرض به حقوق شهروندی بود، واژگان و عبارات متناقض و محدودکننده و نوع کنش مابین مخاطب و گوینده و نیز کاربرد زیاد افعال امری و کمکی‌های رابطی، به عنوان نوعی هشدار غیر مستقیم و حاکی از روابط سلسله‌مراتبی و اقتداریست که با ذات تربیت شهروندی هم‌خوانی ندارد.

تحلیل متون پنج گفتمان اصلی بعد از انقلاب اسلامی در سطح تبیین

در این جا به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که جای‌گاه، فرایندهای مرتبط و اهداف پنهان گفتمان‌های تربیت شهروندی بعد از انقلاب اسلامی کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال به تحلیل انتقادی متون و اسناد مرتبط به پنج گفتمان اصلی بعد از انقلاب اسلامی در سطح تبیین می‌پردازیم. طبق تبیین متون گفتمان عدالت اجتماعی، باید گفت؛ ارتباط این متون، با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان حزب جمهوری اسلامی قوی است و عبارات تأییدکننده‌ی بسیاری در این رابطه به کارگرفته شده است. دال مرکزی این گفتمان یعنی عدالت اجتماعی، با دال‌های شناور نظیر اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی منجر به طرد و حاشیه رانده شدن گفتمان‌های رقیب بعد از انقلاب و هم‌چنین قبل از انقلاب مانند مدرنیسم مطلقه‌ی پهلوی، سنت‌گرایی ایدئولوژیک، سوسیالیسم، ناسیونالیسم لیبرال، سکولاریسم شد. و نیز با برجسته‌سازی محوریت اسلام در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی بالاخص تربیت شهروندی، حفظ و تثبیت ساختار گفتمانی خود را رقم زد و به جای‌گاهی غالب در مبارزه‌های گفتمانی دست یافت. این گفتمان در مقابل گفتمان مسلط جمهوری اسلامی(گفتمان اصول‌گرایانه) که متکی بر پیروی از اصل مترقی ولایت فقیه و قانون اساسی، پافشاری براصول و اهداف و آرمان‌های اولیه‌ی انقلاب(اخوان،۱۳۸۹:۲۲) بود، بسیار ملازم و همراه عمل نمود. تولید متون مذکور در شرایط جامعه‌ی آن روز با هدف همبستگی، انسجام و دور نگه داشتن جامعه از آسیب‌های احتمالی لازم می‌نمود؛ و البته با نظر به کاستی‌های حکومت پیشین پیرامون تربیت شهروندی، کارآمد به نظر می‌رسید؛ اما با توجه به کناره‌گیری از نظریات و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روز جهان و در نظر نگرفتن نیازهای متنوع و واقعی افراد جامعه به دلایل ایدئولوژیکی و یک سویه، ناکارآمد بود و به همراه دیگر شرایط، مقدمه‌ای فراهم شد تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان مذکور، پیرامون چرایی و چگونگی رعایت نمودن حقوق شهروندی و تدوین و اجرای سیاست‌های مرتبط با تربیت شهروندی توسط

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گفتمان بعدی مورد نقد قرار گیرد، به حاشیه رانده شود و موضعی جدید پیرامون تربیت شهروندی اتخاذ گردد.

در گفتمان سازندگی، طبق تبیین متون این گفتمان؛ ارتباط این متون با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان حزب سازندگی قوی است و عبارات تأییدکننده‌ی بسیاری در این رابطه به کارگرفته شده است. دال مرکزی یعنی توسعه‌ی اقتصادی با دال‌های شناور نظیر: نوسازی و سازندگی، تخصص‌گرایی، عمل‌گرایی، منجر به طرد و حاشیه رانده شدن گفتمان عدالت اجتماعی دولت قبل شد؛ اما، ارتباط این متون با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، یعنی: اسلام فقاهتی- اجتهادی و هویت اسلامی و انقلابی هم‌چنان حفظ شد. مولدین متن، یعنی حزب راست مدرن به نوعی با تأکید بر عدالت‌گستری بر اساس توسعه‌ی اقتصادی در منازعه با گفتمان رقیب یعنی عدالت اجتماعی که اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی را برجسته نمود، به جای‌گاهی غالب دست یافت و در مقابل گفتمان مسلط جمهوری اسلامی که متکی بر پیروی از اصل مترقی ولایت فقیه و قانون اساسی بود، به نوعی نتوانست آن چنان که باید غالب شود و افکار و ارزش‌های محوری خود را عملی و نهادینه نماید. پیرامون تربیت شهروندی، ساختار نامناسب اداری، عدم توجه به پشتوانه‌ی علمی و پژوهشی و تمرکز زیاد بر اقتصاد، فقدان فضا برای مشارکت فعال دست-اندرکاران تربیتی موجب شد اقدامات مرتبط با تربیت شهروندی، به اقداماتی در چهارچوب ارزش‌های مورد قبول دولت محدود گردد؛ بنابراین تربیت شهروندی در سطح متنوع و گسترده‌ای محقق نگشت. در مجموع، تربیت شهروندی در این گفتمان نیز به دلیل در نظر گرفتن اولویت‌های دیگر از جمله توسعه‌ی اقتصادی و بازسازی و سازندگی توسط دولت تا حدود زیادی محقق نشد و به همراه دیگر شرایط، مقدمه‌ای فراهم شد تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان مذکور، پیرامون چرایی و چگونگی گسترش و توسعه‌ی تربیت شهروندی توسط گفتمان بعدی مورد نقد قرار گیرد، به حاشیه رانده شده و موضعی جدید پیرامون برقراری توسعه و اجرای عدالت اتخاذ گردد.

اما طبق تبیین متون گفتمان اصلاحات، باید گفت؛ ارتباط این متون، با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان اصلاح‌طلبی قوی است و عبارات تأییدکننده‌ی بسیاری در این رابطه به کارگرفته شده است. دال مرکزی یعنی توسعه‌ی سیاسی با دال‌های شناور نظیر: جامعه‌ی مدنی، شایسته‌سالاری، حاکمیت مردم، قانون‌گرایی، نهادینه‌کردن آزادی و انتقادگری به عنوان زمینه‌ساز توسعه‌ی سیاسی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منجر به طرد و به حاشیه رانده شدن، توسعه‌ی اقتصادی در دوره‌ی دولت سازندگی شد. ارتباط این متون با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی هم‌چنان حفظ شد.

مولدین متن، یعنی حزب چپ مدرن به نوعی با تأکید بر جامعه‌ی مدنی بر اساس توسعه‌ی سیاسی، آزادی، مشارکت، حقوق شهروندی در منازعه با گفتمان رقیب یعنی گفتمان سازندگی که سازندگی، بازسازی و توسعه‌ی اقتصادی را برجسته نمود، به جای‌گاهی غالب دست یافت و در مقابل گفتمان مسلط جمهوری اسلامی که متکی بر پافشاری بر اصول و اهداف و آرمان‌های اولیه‌ی انقلاب بود، به نوعی، نتوانست آن چنان که باید غالب شود و افکار و ارزش‌های محوری خود را عملی و نهادینه نماید؛ چراکه حزب راست محافظه‌کار یا سنت‌گرای ایدئولوژیک، که از اوایل انقلاب نفوذ بسیار عمیقی در اوضاع و تصمیمات داشت، کماکان با مشروع‌سازی و بدیهی‌سازی ارزش‌ها و حق حاکمیت خود به جای‌گاهی غالب در مبارزه‌ی گفتمانی دست‌یافت، به نحوی که گرایش‌های کاپیتالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم، چپ مدرن‌ها نیز تحت این نفوذ کم‌رنگ شدند. تولید متون مذکور در شرایط جامعه‌ی آن روز با هدف توسعه‌ی سیاسی و ایجاد جامعه‌ی مدنی در ابعاد مختلف با توجه به شرایط و پیامدهای سیاسی و اجتماعی که تا حدودی ناشی از عمل‌کرد گفتمان پیشین بود انجام شد، این گفتمان با توجه به کاستی‌های گفتمان‌های پیشین پیرامون حقوق و تربیت شهروندی، کارآمد به نظر می‌رسد؛ ولی با توجه به عدم توجه به پشتوانه‌ی علمی و پژوهشی و تمرکز بیش از حد بر توسعه‌ی سیاسی در حالی که دیگر ابعاد تربیت شهروندی نیازمند برنامه‌ای کارآمد برای پیش‌رفت بود، و دخالت گروه‌های فشار و محافظه‌کاران مذهبی که تأکید داشتند اقدامات باید در چهارچوب قانون اساسی باشد و نباید موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزش‌های اسلامی و انقلابی گردد و نوآوری را دلیلی برای به خطر افتادن ارزش‌های انقلابی و ملی می‌دانستند، و هم‌چنین تقلید از الگوهای توسعه‌ی غربی بدون توجه به شرایط بومی جامعه، تا حدودی ناکارآمد می‌باشد. شرایط مذکور، مقدمه‌ای فراهم نمود تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان مذکور، پیرامون چرایی و چگونگی ایجاد و گسترش تربیت شهروندی توسط گفتمان بعدی مورد نقد قرار گیرد، به حاشیه رانده شده و موضعی جدید پیرامون برقراری توسعه و اجرای عدالت اتخاذ گردد.

در خصوص گفتمان عدالت‌محوری می‌توان گفت، ارتباط متون این گفتمان با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان اصول‌گرایی قوی است و عبارات تأییدکننده بسیاری در این رابطه به کارگرفته شده است. دال‌های مرکزی و شناور گفتمان عدالت‌محوری، منجر به طرد و حاشیه رانده شدن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جامعه مدنی و توسعه‌ی سیاسی در گفتمان عدالت‌محوری شد. اما طبق تحلیل متون در سطح توصیف و تفسیر در گفتمان عدالت‌محوری، ارتباط این متون با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی حفظ شده است.

مولدین متن، یعنی اصول‌گرایان عدالت‌محور، به نوعی با تأکید بر عدالت‌گستری، در منازعه با گفتمان رقیب یعنی گفتمان اصلاحات که باورمند به تقدم توسعه‌ی سیاسی بر عدالت بود، به جای‌گاهی غالب دست‌یافت. بی‌توجهی به الزامات، وجود تعارضات در سطح سیاسی، عمل‌کرد سلیقه‌ای، یک سویه‌نگری در تدوین اهداف و سیاست‌ها، ساختار نامناسب اداری، خلأ نگاه علمی، عدم توجه به پشتوانه‌ی علمی و پژوهشی و فقدان فضا برای مشارکت دست‌اندرکاران تربیتی موجب شد اقدامات اجرایی مرتبط با تربیت شهروندی محدود به اقداماتی در چهارچوب ارزش-های مورد توجه دولت شود؛ بنابراین تمرکز بیش از حد متون تولیدشده‌ی مرتبط با تربیت شهروندی بر ارزش‌های مد نظر گروه حاکم و کم‌توجهی به ابعاد مختلف تربیت شهرونـدی و هم‌چنین عدم توجـه به فرایند جهانی‌شدن و کم‌توجهی به کثرت‌گرایی و غیرگرایی موجب ناکارآمدی این مقوله گشت؛ چراکه بی‌توجهی به تمامی ابعاد تربیت شهروندی، موجب انحصارطلبی، اقتدارگرایی، ایجاد جوی محافظه‌کارانه و عاری از انتقاد، تناقض و ناکارآمدی در بخش‌های مختلف جامعه می‌شود. شرایط مذکور، مقدمه‌ای فراهم نمود تا افکار و اقدامات تولیدکنندگان گفتمان مذکور، پیرامون چرایی و چگونگی رعایت حقوق شهروندی و تربیت شهروندی توسط گفتمان بعدی مورد نقد قرار گیرد، به حاشیه رانده شده و موضعی جدید پیرامون تربیت شهروندی اتخاذ گردد.

متون گفتمان اعتدال به عنوان آخرین گفتمان مورد بررسی ارتباطی قوی با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان اصول‌گرایی دارد و عبارات تأییدکننده‌ی بسیاری در این رابطه به کارگرفته شده است. دال مرکزی یعنی اعتدال با دال‌های شناور نظیر: کثرت‌گرایی، توسعه‌ی اقتصادی، مشارکت و آزادی به عنوان زمینه‌ساز تربیت شهروندی، منجر به طرد و حاشیه رانده شدن، عدالت‌گستری، حق‌محوری، مهرورزی در گفتمان اعتدال و ارتباط این متون با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی هم‌چنان حفظ شد. مولدین متن، با تأکید بر آزادی، مشارکت، اعتدال، تأمین اجتماعی، تدبیر و امید در منازعه با گفتمان رقیب یعنی گفتمان عدالـت‌محوری به جای‌گاهی غالب دست یافت. تولید متون مذکور در شرایط جامعه‌ی آن روز با هدف جلوگیری از افراط و تفریط و رعایت حقوق شهروندی در ابعاد مختلف با توجه به شرایط و پیامدهای سیاسی و اجتماعی که تا حدودی ناشی از عمل‌کرد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گفتمان پیشین بود انجام شد. در این گفتمان بی‌توجهی به الزامات، وجود تعارضات در سطح اجتماعی- سیاسی، دخالت گروه‌های فشار و محافظه‌کار، فقدان فضا برای مشارکت دست اندرکاران تربیتی، باعث شد در گفتمان اعتدال بیش‌تر تکیه بر آگاه‌سازی شهروندان از حقوق شهروندی آن‌ها باشد؛ نه ارائه‌ی راه‌کارهای عملی با ضمانت اجرایی برای تربیت شهروندی افراد جامعه.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی می‌توان گفت گفتمان مسلط تربیت شهروندی در اسناد مربوط به هر پنج گفتمان مورد بررسی، گفتمان شهروند اخلاقی- قانون‌مدار است و تربیت شهروندی را با محوریت دین و احکام اسلامی می‌پذیرند؛ هر گفتمان با طرد گفتمان پیشین و برجسته‌سازی و محوری‌نمودن نظرات و سیاست‌های مورد نظر، موجودیت خود را تحکیم و تثبیت نمود. متون مورد بررسی در هر پنج گفتمان به نقش شهروندان در فرایند برآورده‌شدن حقوق توجه چندانی نمی‌کنند؛ بلکه تمرکز آن‌ها بر وظیفه‌ی دولت برای تحقق بخشیدن به حقوق و زمینه‌های دست‌یابی به آن است. از وجه افتراق گفتمان‌های مورد بحث می‌توان به اولویت‌دهی به انواع حقوق شهروندان نام برد. به این معنا که در اسناد گفتمان‌های عدالت اجتماعی، سازندگی و عدالت‌محوری حقوق اجتماعی- اقتصادی و در گفتمان‌های اصلاحات و اعتدال، حقوق سیاسی و مدنی از اولویت برخوردارند. گفتمان‌های بعد از انقلاب به همه‌ی مقوله‌ها و شاخص‌های تربیت شهروندی به صورت متوازن و متعادل نپرداخته‌اند و نیز شهروند بازنمودشده در این گفتمان‌ها موجودی است تک بعدی که تنها در هر دوره در یکی از ابعاد، رشدی سریع و نامتوازن تجربه کرده است. این یافته در تحقیق کولادو و آخورا(۲۰۰۶) مورد تأیید می‌باشد. نتایج تحقیق آنان بیان‌گر آن بود که ایده‌آل‌های مد نظر اتحادیه‌ی اروپا پیرامون تربیت شهروندی به صورت نامتوازن و در برخی موارد بسیار سطحی، در کتاب‌های مورد بررسی، مورد توجه قرار گرفته است. علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در سال‌های اخیر در ابعاد مختلف در خصوص تربیت شهروندی، این اقدامات همراه با موفقیت کامل نبوده است. مهم‌ترین شاهد این ادعا مشکلات عدیده‌ای است که در بعد اجتماعی و سیاسی فراروی کشور قرار گرفته است؛ از جمله هنجارشکنی‌ها، ارزش‌ستیزی‌ها و کم‌توجهی و بی‌توجهی به قوانین و مقررات اجتماعی. شاید راه حل این مشکلات بازاندیشی و تأملی مجدد بر اهداف و وظایف نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی باشد که در کانون آن تربیت شهروندی قرار دارد. مقوله‌ای که غفلت از آن می‌تواند نتایج زیان‌بارتر از آن چه که تاکنون تجربه کرده‌ایم، به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دنبال داشته باشد. یافته‌ی حاضر با نتایج اختر(۲۰۰۸) هم‌سویی زیادی دارد. وی بیان نموده باید تئوری‌های زیربنایی جدید به عنوان خطوط راهنمای کلی تربیت شهروندی مورد توجه قرارگیرد. در گفتمان عدالت اجتماعی به دلیل عدم ثبات سیاسی، عدم استقرار و استحکام حکومت برآمده از انقلاب و جنگ تحمیلی و نیز در گفتمان سازندگی، به دلیل مسایل و مشکلات بازسازی بعد از جنگ تحمیلی، نشانه‌های جدی و امروزی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی چندان یافت نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در این دوره، گفتمان تربیت شهروندی عملاً در دستور کار حاکمیت قرار گیرد و به گفتمان حاکم یا مسلط تبدیل شود. در واقع تربیت شهروندی در این دوره، نه در شمار دل‌مشغولی‌های فعالان و رهبران انقلاب است، نه عملاً تحولات و فعل و انفعالات سیاسی این دوره مجالی برای پرداختن به این مهم باقی می‌گذارد، و نه بافت و ساختار قدرت، چنین اقتضایی را برمی‌تابد. گفتمان‌های تربیت شهروندی در این دو دوره فقط شامل برخی عناصر و مؤلفه‌ها و در نتیجه، ناتمام است. عناصر مذکور نیز از ماهیت جنبش اجتماعی ایران برخاسته بودند؛ نه از اراده‌ی سیاسی حاکمان. اما در سه گفتمان اخیر اصلاح‌طلبی، عدالت‌محوری و اعتدال با توجه به افزایش قشر دانش‌گاهی و فضای بازتر سیاسی، توجه به حقوق شهروندی و تربیت شهروندی، رشد چشم‌گیری داشته است که البته در هر گفتمان عناصر و مؤلفه‌هایی از آن مورد غفلت واقع شده و یا به طور کامل اجرا نگردیده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. اخوان، محمد جواد (۱۳۸۹) **عبور از فتنه**، جلد اول (بروز فتنه)، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش رسانه‌ها.

۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸) «گفتمان عدالت در دولت نهم»، **فصل‌نامه‌ی معرفت سیاسی**، ۱ (۲): ۱۹۵-۲۴۳.

۳. اکوانی، سید حمداله و جعفر نوروزی‌نژاد (۱۳۹۳) «تحلیل گفتمان یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران»، **فصل‌نامه‌ی رهیافت انقلاب اسلامی**، ۲ (۲۷): ۲۰-۳.

۴. پایگاه اطلاع رسانی دولت (۱۳۹۵)، «منشور حقوق شهروندی»، قابل دسترس در سایت: **http://media.president.ir**

۵. جهانگیری، جهانگیر و سجاد فتاحی (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم»، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، ۵(۳): ۴۷-۲۳.

۶. خوجم لی، محمد (۱۳۸۸) «**چگونگی تربیت شهروندی از طریق برنامه‌های درسی پنهان در مدارس**»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانش‌کده‌ی علوم انسانی، دانش‌گاه غیر انتفاعی علم و فرهنگ تهران.

۷. حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶) **گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۸. حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۸) «گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران»، **مجموعه مقالات نخستین همایش علمی درآمدی بر کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، تدوین‌کننده ابراهیم کلانتری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۵۶-۱۳۳.

۹. حسینی‌پاکدهی، علیرضا و زرین زردار (۱۳۹۰) «بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران»، **فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی**، ۲۲ (۵۳): ۱۳۵-۹۵.

۱۰. رشد (۱۳۹۷) «انقلاب‌ها»، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، قابل دسترس در سایت: **www. danesh.roshd.ir**

۱۱. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰) «**سند تحول بنیادین آموزش و پرورش**»، تهران: دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش و وزارت آموزش و پرورش.

۱۲. کاشی، محمد جواد غلامرضا (۱۳۸۴) **نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران**، تهران: گام نو.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۳. محمودی، محمد تقی (۱۳۹۰) «تحلیل محتواهای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی»، **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، ۲ (۱و۲): ۱۰۸-۹۶.

۱۴. مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۱)، «انعکاس سخنرانی‌های سه نامزد ریاست جمهوری (خاتمی، توکلی، جاسبی) در روزنامه‌های نوروز، رسالت و آفرینش»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش فرهنگی**، ۷ (۳): ۲۴۰-۱۸۷.

۱۵. نیکنامی، مصطفی و یاسمن مدانلو (۱۳۸۷) «تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی جهت ارائه‌ی یک چهارچوب نظری مناسب»، **فصل‌نامه‌ی رهبری و مدیریت آموزشی**، ۲ (۱): ۱۶۴-۱۳۷.

16. Akhtar,S. (2008) «The implementation of Education for Citizenship in Scotland: recommendation of approaches for effective practice»,**Improving Schools**, 11(1),33-48.

17. Collado, M.C., & Atxurra, R.L.(2006) «Democratic citizenship in textbooks in Spanish primary curriculum», **Curriculum studies**, 38 (2), 205-228.

18. Combs, C. (2001), A Conceptual Framework Toward a Democratic Citizenship Curriculum, and Its Implication for Education Drama, Unpublished Master of Education Thesis, University of Monitoba.

19. Fairclough, N. (2005) **Critical Discoirse Analysis in transdisciplinary research**. In R, Wodak and P, Chilton, A New Agenda in Critical Discoirse Analysis, Amsterdam: John Benjamin Publishing Company.

20. Jorgenson, S. (2012) «Global Citizenship Education(GCE) in Post Secondry Institutions», University of Alberta, **Journal of Global Citizenship & Equity Education**, 2 (1), 145-162.

21. Kukathas, C. (2001) «Education and Citizenship in Diverse Societies», **International Journal of Educational Research**, 35(3), 319–330.

22. Leonard, M.(2007) «Children's Citizenship Education in Politically Sensitive Societies», **Childhood**, 14 (4), 487-503.

23. Nelson, J., & Kerr, D. (2005) **Active Citizenship**: Definition, Goals and Practices, International review of curriculum and assessment framework.

24. Parker, G. (2000) **Citizenships, Contingency and the Countryside,** Rights, Culture, Land and the Environment, London and New York: Routledge.

25. Schiffrin, D., Tannen, D., & Hamilton, H. E. (2001) **The Handbook of Discourse Analysis**, Blackwell Press.

26. Sears, A., & Hébert,Y. (2005) Ci**tizenship Education, Canadian Education Association**, Available at: https://www. ca/mediaen/citizenship _education.

27. Tse, K. C. (2001) «Society and Citizenship Education in Transition: The Case of Macau». **International Journal of Educational Research**, 21 (4), 305-314.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]